دادگستری زمان داور

عمیدی نوری

در محکمه دکتر افشار پروندهء مطرح بود که دکتر افشار و اعضاء دیگر حاضر نمی‏شدند نظر دیکری را فوق نظر خود قبول نمایند یکروز بدون مقدمه‏ حکمی بدست دکتر افشار دادند که از آن محکمه به محکمه دیگر منتقل شود دکتر افشار بعنوان اینکه حکم وزارتخانه برخلاف قانون اساسی است و هیچ‏ قاضی را طبق قانون اساسی نمیتوان بدون رضایت خود او تغییر داد اطاعت‏ از حکم نکرده هرقدر باو اصرار و نصیحت کردند بر مقاومت خود افزود تا بالاخره‏ ناچار شدند او را دوباره بهمان محکمه برگردانند و مدتی که غایب بود جزو مرخصی او محسوب کنند...

(نقل از روزنامه«ستاره»-تهزان شماره 1886)ارسلان خلعت‏بری

دادگستری زمان داور با از بین رفتن استقلال قضائی خراب شد

مرحوم داور میخواست دستگاه دادگستری پس از 1306 طوری تشکیل‏ گردد که از نفوذ روحانیون خارج شده دیکتاتوری قضائی که تا آنروز دست‏ علماء و محافل روحانیون بود بدست طبقه تجدید طلب که خود در راس آن قرار گرفته بود سپرده شود چندی بعد بین خود مرحوم داور و سه نفر دیگر از قضات‏ صحیح العمل وزارت دادگستری اختلاف درگرفت،آقای زند.آقای دکتر افشار و همین آقای صالح وزیر دادگستری را مرحوم داور در مواقع مختلف برخلاف‏ رضای خود آنها میخواست از شغل قضائیشان تغییر دهد آنها با کمال صراحت‏ اصل 82 قانون اساسی را باقای وزیر تذکر دادند که حق صدور چنین ابلاغی‏ را ندارند و بهنمین جهت در مقابل آن ابلاغهای مخالف‏ قانون اساسی مقاومت کرده بدوست صمیمی خود که آنها را برای تشکیل‏ عدلیه دعوت کرده بود اعتنائی ننمودند

مرحوم داور دید با این دستگاه دادگستری نمیتواند نظریات مخصوص‏ سیاسی خود را که سلطنت رضاشاه آنرا میپسندید پیش برد بدین جهت بزرگترین‏ قدم را برای خرابی عدلیه برداشت یعنی اصل 82 قانون اساسی را با یک قیام‏ سرد همان وکلای فرمایشی مجلس از بین برد و تغییر و تبدیل قضات را در اختیار خود قرار داد.در حقیقت مرحوم داور با این اقدام تمام زحمات‏ خود را برای عدلیه از بین برد و از همان موقع دستگاه دادگستری رو بخرابی‏ رفت...

(نقل از نامه«داد»-تهران شماره 249)

یادداشت اداره

مقالات زیادی در جرائد تحت عنوان استقلال قضات منتشر شده و نامی‏ هم از نگارنده بمناسبت مخالفتی که با تغییر شغل قضائی خود با مرحوم داور وزیر عدلیه وقت نمودم برده‏اند.حتی آقای عماد السلطنه فاطمی در مجلس اظهار نمودند که قانون تفسیر ماده 82 قانون اساسی بنام فلانی معروف است و یکی‏ از جرائد اشتباها اظهار ایشان را طوری نوشته بود که تصور میرفت مرحوم‏ داور بکمک من این تفسیر را نموده است!البته اشتباه از مخبر پارلمانی آن‏ روزنامه بود در صورتیکه قضیه بعکس بود و اول کسیکه با مرحوم داور در این امر مخالفت کرد و پیش هم برد من بودم.روزنامه مزبور بعد اصلاح نمود.

چون مکرر جریان قضیه را از من پرسیده و جرائد نیز باختلاف‏ نوشته‏اند و موضوع الغاء تفسیر ماده نامبرده نیز مطرح است مقاله‏ای در این‏ خصوص در یکی از شماره‏های آینده خواهم نگاشت.

فراکسیون توده و کابینه ائتلاف و ائتلافهای پارلمانی

در این سالهای اخیر و مخصوصا در این روزها که اختلافاتی میان‏ مجلسیان پدید آمده همه در اطراف اتحاد و لزوم ائتلاف فراکسیون‏ها صحبت میکنند بدون اینکه هدف این اتحاد و جاذبهء این ائتلاف را جستجو نمایند.این اشخاص نه فقط بموازین علمی اجتماع آشنا نیستند بلکه بافسانه‏ های پندآمیز گذشتگان نیز توجهی ندارند و حتی داستان آن موش و وزغ‏ را فراموش کرده‏اند که بنصادف روزگار باهم یار شدند و برای اینکه پیوند دلهای آنها محکمتر گردد و هر آنی که اراده کنند بدیدار هم نائل شوند رشته‏ای بپای هم بستند.اما همین رشته بلای جان آنها گردید.زیرا که‏ هروقت وزغ در آغوش آب تمدد اعصاب میکرد و از شدت خوشی از ساحل‏ دور میشد موش بیچاره را از سوراخ بیرون میکشید،و موش هم هرگاه‏ بدزدی آذوقه‏های دوردست میرفت وزغ از سوراخ بیرون کشیده شده بود گرفتار موشخواری شد و چون نتوانست بگریزد موشخوار او را بهوا بلند کرد وزغ هم که وابسته محبت او بود بهوا برداشته شد و طعمه موشخوار و مورد شماتت و تمسخر تماشائیان کردید...

فراکسیون توده میداند.که بحران فقط بوسیله موافقت او با تشکیل‏ کابینه رفع نمیشود بلکه تا وقتی که تغییر کابینه از روی مقتضیات سیاسی و اجتماعی و فقط از روی منافع خصوصی نمایندگان صورت میگیرد بحران پس از هر زمان کوتاهی دوباره عود میکند...

فراکسیون توده میداند که کابینه‏ای که بنا باغراض خصوصی نمایندگان تحمیل‏ شده است برنامه عمل او فقط جامع اغراض همین نماینده‏گان خواهد بود.از این‏ جهت فراکسیون توده نمیتواند در تائید چنین کابینه‏ای با اکثریت همزبان‏ گردد...

اقدام اساسی در تثبیت کابینه نیست بلکه در تغییر ماهئیت کابینه است.

(نقل از روزنامه«رهبر»-تهران 16 شهریور 1323)

حزب خلق ترکیه نباید ایده‏ال ما باشد

در مذاکراتی که در مجلس در اطراف برنامه دولت جریان دارد بعضی‏ از نمایندگان اشاره بموضوع احزاب سیاسی در ایران نموده و عموما گله‏ کرده‏اند که ما حزب واحدی نظیر حزب خلق ترکیه نداریم برای ما جای‏ هیچ شک نیست که هیچ‏یک از این آقایان مرامنامه حزب خلق ترکیه را نخوانده‏اند و خوشبینی که نسبت باین حزب دارند تنها روی شایعات و مسموعات‏ بوده و منشاء و اساس درستی ندارد.

آقایان نمایندگان کم‏کم پی میبرند که حیثیت مجلس در شرف زوال‏ است و مسببین اصلی آن هم خود آنها هستند.

چه در واقع هرگاه دولت کار نمیکند نتیجه آن است که مجلس او را بکار کردن ترغیب نمیکند و یا اینکه دولت را در راه تامین منافع شخصی‏ نمایندگان بکار وادار میکند نمایندگان کم‏کم پی میبرند که ملت دیگر انتظاری از آنها ندارد و هرگاه دولت در انتخابات آینده مداخله نورزد هرگز از طرف ملت انتخاب نخواهند شد.پس آرزوی آنها اینست که‏ یک حزب دولتی واحد که طبعا نمایندگانشان هم خودشان خواهند بود تاسیس‏ کنند و این حزب هم مانند حزب خلق ترکیه وجود سایر احزاب را زاید شمرده و بهیچ حزب مخالفی اجازه فعالیت نداده و از هر عقیده مخالفی جلوگیری‏ کند...

البته نمیتوان انکار کرد که اصولی از قبیل جمهوریت،ملیت،اتاتیسم‏ و بطور کلی اصول انقلاب‏خواهانه ترکیه انقلاب شگرفی در ترکیه پس از جنک پدید آورد و حیثیت ترکیه را در دنیا بالا برد.معهذا تقلید اصول و سیاست حزب خلق ترکیه در ایران مبنی بر اشتباه محض میباشد...

تاسیس حزب واحد در واقع استقرار یک نوع دیکتاتوری حزبی است.